

سخنرانی‌های همایش چشم‌انداز تحولات خاورمیانه

قدس و انتفاضه

سیدمحمد صدر^۱

رژیم صهیونیستی همچنان با قساوت و بی‌رحمی اقتدار مختلف مردم از زن و مرد، کودک و نوجوان، پیر و جوان را به خاک و خون می‌کشد و بیش از ۲۵۰ شهید و ۷۰۰۰ زخمی ثمره اقدامات تجاوزگرانه رژیم صهیونیستی علیه مردم بی‌پناه فلسطین می‌باشد.

با نگاهی گذرا به دهه اخیر مشخص می‌شود که به دنبال گسترش مبارزات فلسطین علیه رژیم صهیونیستی و شکل‌گیری انتفاضه مردمی در سال ۱۹۸۷ و تشدید مبارزات هم‌زمان با شکل‌گیری گروه‌های جهادی مبارز در صحنه فلسطین به ویژه حماس و جهاد اسلامی، استکبار جهانی و در رأس آن امریکا به منظور حفظ منافع مورد تهدید خود در خاورمیانه از

قبل از آغاز سخن لازم می‌دانم خدمت میهمانان داخلی و خارجی این همایش خیرمقدم عرض نمایم و آرزوی توفیق برای همه برادران و خواهرانی که در این نشست شرکت کرده‌اند مسئلت کنم.

همانطور که اشاره شد قدس و انتفاضه موضوع سخنرانی اینجانب می‌باشد. از رخدادهای مهمی که هفته‌های اخیر نظر جهان اسلام و غرب را به نحو کم سابقه‌ای به خود معطوف داشته، خیزش همگانی مردم فلسطین در تمامی سرزمین‌های اشغالی و بدون توجه به سرزهای ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ مسی باشد که عکس‌العمل بی‌سابقه‌ای را از جانب سردمداران صهیونیسم در پی داشته است.

در حال حاضر انتفاضه بزرگ مردم فلسطین وارد پنجاه و دومین روز خود شده و

۱. دکتر سیدمحمد صدر، معاون وزیر خارجه است.

می‌گردد.

بدین ترتیب درباره‌ی تمامی موضوعات تصمیم‌گیری خواهد شد و توافقنامه‌ی نهایی میان طرفین به امضا خواهد رسید.

به قدرت رسیدن نتانیاهو در سال ۱۹۹۶ و مخالفت با مفاد و روند اجرای توافقات اسلو باعث توقف مذاکرات شد و در نتیجه توافقات امضا شده میان ساف با دولت قبل رژیم صهیونیستی طبق برنامه زمان‌بندی شده و مفاد مورد توافق پیش نرفت.

به هر حال بن‌بست روند سازش موجب گردید تا عرفات از اعلام دولت مستقل فلسطینی در چهارم ماه مه ۱۹۹۹ به عنوان اهرم فشار بر رژیم صهیونیستی استفاده نماید، که سرانجام تهدید او به اعلام یک جانبه دولت مستقل فلسطینی و فشار افکار عمومی سبب شد با میانجیگری امریکا، مذاکرات صلح میان طرفین آغاز و توافقنامه‌ی وای پلاتیشن یا وای ریور ۱ در ۲۳ اکتبر ۱۹۹۸ در امریکا به امضا برسد. براساس این توافق، نتانیاهو موفق شد با تحمیل خواست‌های دیگری به طرف فلسطینی سقف درخواست‌های فلسطینی‌ها را براساس اسلو کاهش دهد.

امضای توافقنامه‌ی وای ریور ۱ بهانه را از دست عرفات برای اعلام دولت مستقل فلسطین

طریق حمایت بی‌حد و حصر خود از رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۱ به ارائه طرح موسوم به صلح در جمع کشورهای عربی و اروپایی در مادرید اسپانیا اقدام نمود. مهمترین هدف امریکا از انعقاد کنفرانس مادرید شکستن قبح مذاکرات سایر طرف‌های عربی به ویژه کشورهای واقع در خط مقدم با رژیم صهیونیستی و در نهایت به رسمیت شناخته شدن این مولود نامشروع در خاورمیانه بود. مذاکرات سازش هیچ‌گونه نتیجه‌ی عملی در برداشت، تا این که در سال ۱۹۹۳ رژیم صهیونیستی موفق شد با توسل به سیاست فریب و نیرنگ و پیروی از دیپلماسی مذاکرات سری، یاسر عرفات را وادار به امضای توافق اسلو نماید. در توافق اسلو روند مذاکرات و اجرای توافقنامه‌ها به مدت پنج سال پیش بینی شده بود که دوره‌ی انتقالی نامیده می‌شود. بر این مبنا از سال سوم دوره‌ی انتقالی، یعنی سال ۱۹۹۶ مذاکرات مربوط به وضعیت نهایی آغاز می‌شود. در این مرحله از مذاکرات پیرامون موضوعات مهمی مانند وضعیت بیت‌المقدس و نحوه حاکمیت بر آن، سرنوشت آوارگان فلسطینی، وضعیت شهرک‌های یهودی‌نشین، کنترل آب‌ها، مرزها و در نهایت چگونگی ساختار و نوع حاکمیت فلسطین بحث می‌شود و تا تاریخ ۹۹/۵/۴ یا ۱۳۷۸/۲/۱۴ توافق نهایی حاصل

مرز با مصر.

۵. عدم بازگشت نیروهای اسرائیلی به
مرزهای ژوئن ۱۹۶۷.

باراک با آغاز مذاکرات با طرف

فلسطینی با توجه به این که خطوط قرمز ترسیم شده در مورد موضوعات مرحله نهایی از جمله قدس پایه مذاکرات را تشکیل دهد، آمادگی خود را برای شروع مذاکرات اعلام نمود و توافقنامه وای ریور ۲ یا شرم الشیخ در تاریخ ۹۹/۹/۴ یا ۷۸/۶/۱۴ در شهر شرم الشیخ مصر به امضا رسید، که این توافقنامه را نمی توان توافق جدیدی دانست، بلکه نسخه تعدیل شده توافق وای ریور می باشد و ساز و کار و زمان بندی اجرای آن را مشخص می نماید. بنابراین از زمان آغاز مذاکرات مادرید در سال ۹۱ و امضای اولین توافقنامه اسلو در ۱۹۹۳ به جای اجرای توافقنامه های اجرای شده شاهد امضای توافقنامه های متوالی که در جهت محدود کردن سقف خواسته های فلسطینی ها براساس توافق های قبلی است می باشیم و در هیچ یک از توافقنامه های اسلو ۱ و ۲، التحلیل، وای پلانتیشن، وای ریور ۱ و ۲ به هیچ وجه به مسائل اساسی مرحله نهایی از جمله قدس پرداخته نشد و صرفاً موضوعات جزئی مرحله

در تاریخ اعلام شده خارج ساخت و وی اعلام دولت را یک سال به تعویق انداخت که پس از مدت یک سال نیز عرفات به رغم تهدیدات گسترده برای اعلام دولت این مسأله را به تاریخ نامعینی موکول کرد.

به دنبال برگزاری انتخابات زود هنگام در اسرائیل در ۱۷ مه ۹۹ و پیروزی باراک رهبر حزب کار در انتخابات، وی کوشید تا چارچوب و اصولی را برای ورود به مرحله پایانی مذاکره با طرف فلسطینی طرح نماید، که به عنوان مواضع اصولی و پایه ای باراک در مذاکرات وضعیت نهایی اعلام گردید. این اصول به عنوان پنج (نهی) باراک برای شروع مذاکرات بود که عبارتند از:

۱. مخالفت با هرگونه مذاکره در مورد قدس و تأکید بر این که قدس به صورت یکپارچه و غیرقابل تفکیک به بخش شرقی و غربی پایتخت ابدی اسرائیل خواهد بود.
۲. مخالفت با برجیدن شهرک های یهودی نشین در کرانه باختری و نوار غزه
۳. مخالفت با بازگشت آوارگان
۴. مخالفت با وجود هرگونه نیروی نظامی در مرزهای شرقی با اردن و در

مجمعول بیت‌المقدس و به عنوان پایتخت آتی دولت فلسطین دراختیار فلسطینیان قرار داده می‌شود و با احداث گذرگاهی از ابودیس به قدس که حاکمیت امنیتی و نظامی آن برعهده رژیم صهیونیستی می‌باشد فلسطینی‌ها می‌توانند جهت زیارت به اماکن مقدسه بروند، این طرح با مخالفت شدید طرف فلسطینی مواجه شد، به نحوی که طرف فلسطینی اقدام به بستن چمدان‌ها نمود و این امر بعدها به نام دیپلماسی چمدان معروف شد. بنابراین طرف فلسطینی تصمیم به ترک صحنه مذاکرات با امریکا گرفت. با توجه به این وضعیت کلیتون برای جلوگیری از تنش و شکست مذاکرات اقدام به ارائه طرح دوم نمود.

طرح دوم در برگیرنده نظرات این کشور درخصوص مسأله بیت‌المقدس، مرزها و آوارگان بود که براساس آن در خصوص قدس، اختیاراتی در زمینه امور اداری و شهری در برخی محله‌های فلسطینی بخش شرقی بیت‌المقدس به حکومت خودگردان واگذار می‌گردد و در مقابل شهرک‌های یهودی نشین کرانه باختری مستقیماً به بیت‌المقدس متصل می‌گردد و دستگاه خودگردان می‌تواند بر اماکن مقدسه شامل مسجدالاقصی، مسجد عمر حاکمیت صرفاً دینی داشته باشد.

انتقالی از جمله میزان عقب‌نشینی، بحث فرودگاه و بندر و مسأله زندانیان مورد توجه قرار گرفت.

موضوعات مرحله‌نهایی از جمله قدس برای اولین بار در مذاکرات کمپ دیوید ۲ که از تاریخ ۷۹/۴/۲۳ لغایت ۷۹/۵/۴ در امریکا صورت گرفت مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت مذاکرات مزبور با حضور کلیتون در حالی آغاز گردید که باراک بر ۵ اصل معروف خود تأکید می‌نمود و از آن به عنوان خطوط قرمز یاد می‌کرد. با توجه به تأکید طرف اسرائیلی بر موضع خود در مورد قدس مبنی بر این که قدس یکپارچه و غیرقابل تفکیک به بخش شرقی و غربی، پایتخت ابدی اسرائیل است و از طرفی اصرار طرف فلسطینی مبنی بر این که قدس شرقی می‌بایستی به عنوان پایتخت دولت فلسطین به فلسطینیان باز گردد. امریکا به منظور خارج ساختن مذاکرات کمپ دیوید از بن‌بست به ارائه دو طرح که اسرائیل در آن منظور گردیده بود، مبادرت کرد.

طرح اول که معروف به طرح یوسی بیلین - ابومازون می‌باشد و حدود ۵ سال قبل با مشورت و هماهنگی میان یوسی بیلین و ابومازون می‌باشد.

براساس این طرح منطقه ابودیس با نام

اسلامی بودن فلسطین و تعلق قدس به کل جهان اسلام به عنوان آرمان امت اسلامی اشاره نموده و تأکید کردند هیچ طرفی حق دادن هیچگونه امتیازی در مورد قدس نخواهد داشت. این سفر در چارچوب این تحلیل انجام شد که احساس شد با جوسازی‌هایی که امریکا دارد انجام می‌دهد و فشارهایی که از جوانب مختلف به طرف فلسطینی وارد می‌کند می‌خواهد او را در موقعیتی قرار دهد که امتیاز بیشتری را از او دریافت کند. به همین دلیل به خاطر این که طرف فلسطینی هم روحیه پیدا کند و مطمئن شود که حداقل سازمان کنفرانس اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در جهت پشتیبانی کامل از آنها حرکت می‌کند، این سفر انجام شد و به لطف خدا مؤثر بود.

به هر حال به دنبال شکست مذاکرات کمپ دیوید ۲ به رغم تلاش‌های مستمر امریکا و نقش فعال مصر برای خارج ساختن مذاکرات از بن‌بست با توجه به اختلافات زیاد طرفین در مورد مسأله حاکمیت قدس، امریکا موفق به جمع کردن عرفات و باراک در اجلاس سه جانبه با حضور کلینتون در اجلاس هزاره سران که در شهریور ۷۹ در نیویورک برگزار شد نگردید. همزمان با تحولات مزبور چنانکه پیش‌بینی می‌شد عرفات نیز موضوع اعلام دولت مستقل

نهایتاً با توجه به مخالفت طرف فلسطینی با طرح دوم مذاکرات از حالت رکود خارج نگردید و به رغم تشکیل کمیته‌هایی درخصوص سایر قضایا از جمله کمیته آوارگان و کمیته مرز، عدم پیشرفت در کمیته قدس موجب متوقف شدن فعالیت سایر کمیته‌ها گردید و کلینتون رئیس جمهور امریکا در ۷۹/۵/۴ طی مصاحبه‌ای تلویزیونی اعلام کرد با توجه به عدم اجابت درخواست‌های باراک توسط عرفات مذاکرات کمپ دیوید ۲ به شکست انجامید. یعنی در واقع کلینتون تمام تقصیر شکست مذاکرات را برعهده طرف فلسطینی گذاشت. وی اضافه می‌کند مسأله قدس مانع دستیابی به توافق گردید. شایان ذکر است که همزمان با برگزاری اجلاس کمپ دیوید ۲ با توجه به توطئه‌ای که امریکا و رژیم صهیونیستی به منظور فشار بر عرفات و اخذ امتیازات مهم به ویژه درخصوص قدس و حاکمیت بر آن در حال شکل گرفتن بود، اینجانب به عنوان فرستاده ویژه مقام محترم ریاست جمهوری با توجه به تصدی ریاست سازمان کنفرانس اسلامی توسط ایشان حامل پیام مهم جناب آقای خاتمی به رؤسای کشورهای سوریه، لبنان، اردن، عربستان سعودی و تونس بودم.

ریاست محترم جمهوری در این پیام به

فلسطینی در ۲۳/۶/۷۹ که همواره بر آن تأکید می‌نمود به نظر و تصمیم شورای مرکزی فلسطین منوط کرد که این شورا نیز طی گسردهمایی ۳ روزه خود در غزه در مورخ ۲۰/۶/۷۹ موافقت خود را با تعویق آن برای حدود ۲ ماه و اعلام دولت در زمان مناسب اعلام کرد، که تا این زمان همچنان معلق می‌باشد.

جمع‌بندی بحث

با توجه به اقدامات و تلاش‌های مستمر سردمداران رژیم غاصب در جهت یهودی ساختن قدس و حاکمیت کامل خود بر آن و عدم کسب کوچکترین توفیقی در این خصوص به دلیل مخالفت شدید فلسطینیان، مسلمانان و اعراب و همچنین صدور قطعنامه‌های بین‌المللی متعدد در منع اقدامات اشغالگرانه و غاصبانه رژیم صهیونیستی از جمله قطعنامه ۲۴۲ در سال ۱۹۴۷-۳۳۸ در سال ۷۳ و قطعنامه تقسیم شماره ۱۸۱ در سال ۱۹۴۷ و به ویژه با توجه به عدم حصول نتیجه در مذاکرات ۹ ساله صلح مخصوصاً مذاکرات کمپ دیوید ۲ به منظور اخذ امتیاز در مورد قدس به نظر می‌رسد ورود شارون به مسجداً اقصی اقدامی در جهت قرار دادن فلسطینیان در برابر امر واقع

به منظور تثبیت حاکمیت رژیم صهیونیستی بر قدس و به ویژه اماکن مقدسه و مجبور نمودن طرف فلسطینی به امضای توافقنامه مورد نظر رژیم صهیونیستی درخصوص قدس می‌باشد که نتایج حاصله از آن در صحنه فلسطین و در جهان اسلام و عرب بیانگر اشتباه بودن تحلیل‌ها و محاسبات به عمل آمده توسط اسرائیل است. همه ما اکنون شاهد قیام مردم فلسطین و ایستادگی شجاعانه آنان با دست خالی در برابر نظامیان تا دندان مسلح رژیم صهیونیستی هستیم و می‌بینیم که مردم بی‌دفاع فلسطین چگونه توسط تفنگ، تانک، موشک و راکت مورد هدف قرار می‌گیرند. مردم فلسطین بعد از ۹ سال مذاکرات که طبیعتاً امید زیادی برای احقاق حقوق حقه خود ایجاد کرده بود، شاهد عدم حصول هرگونه دستاوردی بوده و تنها ثمره این مذاکرات به رسمیت شناخته شدن رژیم صهیونیست‌ها توسط طرف فلسطینی، لغو بخش‌هایی از منشور ملی فلسطین و تشکیل کمیته اطلاعاتی و امنیتی مشترک میان دستگاه‌های جاسوسی امریکا، اسرائیل و تشکیلات خودگردان جهت سرکوب و قلع و قمع حرکت‌های مردمی علیه اسرائیل و مبارزان فلسطینی می‌باشد و در مقابل چنانچه توافق‌های امضا شده به مرحله اجرا درآید حدود ۶۵ درصد

مدرسه فیضیه قم با خروش علیه اسرائیل خواستار آزادی کامل سرزمین فلسطین و نابودی این رژیم شدند، از بدو پیروزی انقلاب اسلامی با اتخاذ موضعی اصولی و قاطع بر آزادی کلیه اراضی اشغالی فلسطین و احقاق حقوق مردم فلسطین تأکید نموده است.

جمهوری اسلامی ایران اعتقاد دارد که راه حل نهایی فلسطین منوط به بازگشت آوارگان، برگزاری همه‌پرسی یا مشارکت مردم اصلی فلسطین اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی به منظور تعیین نظام سیاسی مطلوب و در نهایت تصمیم‌گیری برای بقیه ساکنان و مردم فلسطین توسط دولت منتخب می‌باشد.

مساحت کل فلسطین به طرف فلسطینی واگذار خواهد شد. لذا مردم فلسطین با توجه به مشاهده تجربه اسلو و نتیجه آن و نیز تجربه مقاومت در لبنان و نتیجه آن مبنی بر آزادی سرزمین و افتخار و عزت و عظمت آن، دیگر اهانت شارون به مقدسات خویش را تحمل نکرده و با برگزیدن راه جهاد و مقاومت به مبارزات خویش تا احقاق حق و حقوق کامل خود به ویژه حق تعیین سرنوشت و حق بازگشت آوارگان ادامه می‌دهد.

بدیهی است که جمهوری اسلامی ایران نیز در پیروی از فرمایشات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) که در سخنرانی مشهور خود در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پڙهه ښکاره علوم انساني و مطالعات فرهنجی
پرتال جامع علوم انسانی